

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد

آزمون روش‌های تفکر

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره تماس

۱. از آیات اول تا آخر، دیدنی‌ها و شنیدنی‌های سوره مبارکه غاشیه را به تفکیک بنویسید.
۲. از بین موارد دیدنی و شنیدنی یک مورد دیدنی یا شنیدنی ترکیبی نشان دهید. (ترکیبی یعنی مربوط به رابطه دو یا چند دیدنی و شنیدنی است).
۳. از آیات ۱۷ تا آخر قالب ادبی آیات را بنویسید. حداقل سه گزاره قابل استنتاج از قالب ادبی بنویسید. شماره آیات را درج نمایید.
۴. از آیات ۱۷ تا آخر قالب بیانی آیات را بنویسید. حداقل سه گزاره قابل استنتاج از قالب بیانی بنویسید. شماره آیات را درج نمایید.
۵. با توجه به آیات ۱-۷ از سوره غاشیه که مشخص می‌کنید پس زمینه آن را به دست آورده و عناصری از آن تعیین و بر اساس آن یک یا چند گزاره بنویسید.
۶. از آیات ۱۷-۲۰ بر اساس تحلیل واژه‌های سوره، گزاره‌هایی بنویسید.
۷. مجموعه‌ای از گزاره‌های سوره مبارکه غاشیه را ارائه دهید که بر اساس آن بتوانید گزاره‌های خود را در دو سطح گزاره‌های هست و نیستی، و باید و نبایدی تفکیک کنید. (لازم است نظم گزاره‌ها شما را به حقیقتی از حقایق سوق دهد). (شماره آیه فراموش نشود).
۸. با توجه به گزاره‌های فوق گزاره‌های درجه دوم و سوم نیز استخراج کنید. شمار آیه و گزاره فراموش نشود.
۹. سوره را بخش‌بندی کرده و بر اساس آن، سوره را در قالب موضوعاتی ارائه داده سپس سوره در نمایی تصویر به صورت نمودار نشان دهید.
۱۰. متن زیر از تفسیر المیزان است این متن را به صورت گزاره‌های تفکیک کرده (علامت گذارید). و کار فکری که در رابطه با آن گزاره انجام شده را بنویسید.
۱۱. تفکر را تعریف کرده و برای تفکر سیری معرفی کنید و بر اساس این سیر، مهارت‌هایی برای ارتقاء تفکر ارائه دهید. ارتباط درس‌های کتاب با این مهارت‌ها را بیان کنید.

"أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ" بعد از آنکه اوصاف غاشیه و حال دو طایفه مؤمن و کافر را بیان نمود، دنبالش اشاره‌ای اجمالی کرد به تدبیر ربوبی که به خوبی دلالت بر ربوبیت خدای تعالی می‌کند، ربوبیتی که مقتضی وجوب عبادت است، و لازمه آن هم رسیدن به حساب اعمال و جزا دادن به مؤمن و کافر است، مؤمن را در برابر ایمانش، و کافر را در برابر کفرش، و ظرفی که این حساب و جزا در آن واقع می‌شود همان روز غاشیه است. در این آیه منکرین ربوبیت خدای تعالی را نخست دعوت می‌کند به اینکه در کیفیت خلقت شتر نظر و دقت کنند که چگونه خلق شده، و خدای تعالی آن را چگونه از زمینی مرده و فاقد حیات و بی شعور به این صورت عجیب در آورده، صورتی که نه تنها

خودش عجیب است، بلکه اعضا و قوا و افعالش نیز عجیب است، و این هیكل درشت را مسخر انسانها کرده، (یک کودک از انسانها افسارش را می‌کشد، و به هر جا بخواهد می‌برد)، و انسانها از سواری و بارکشی و گوشت و شیر و پوست و کرکش و حتی از بول و پشگلش استفاده می‌کنند، آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد، و در خلقت او برای انسان هیچ غرضی در کار نبوده، و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آن و سایر نعمت‌ها ندارد؟ و اگر در بین همه تدابیر الهی و نعمت‌هایش خصوص تدبیر در خلقت شتر را ذکر کرد، از این جهت است که سوره مورد بحث در مکه نازل شده و جزو اولین سوره‌هایی است که به گوش مردم عرب می‌خورد، و در مکه در آن ایام داشتن شتر از ارکان اصلی زندگی‌شان بوده. "وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ" و چرا به آسمان نمی‌نگرند که چگونه افراشته شده، و به قندیل‌های پر نور چون خورشید و ماه و ستارگان درخشنده آراسته گشته، و در زیر آن کره هوا قرار داده شده که مایه بقای هر جاندار است و بدون تنفس آن هوا زنده نمی‌ماند. "وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ" و چرا به کوه‌ها نمی‌اندیشند که چگونه ایستاده‌اند، و ریشه‌های آنها مانند میخ اجزای زمین را بهم می‌خکوب کرده، و از مخازن آن چشمه‌ها و نهرها جاری می‌شود، و معادن را در سینه خود حفظ می‌کنند. "وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ" و چرا به وضع خلقت زمین فکر نمی‌کنند که چگونه گسترده شده، به طوری که شایسته سکنی برای بشر گشته و نقل و انتقال در آن آسان و انواع تصرفات صناعی که انسانها دارند در آن مسیر گشته است؟ پس تدابیر کلی همه‌اش بدون هیچ شکی مستند به خدای تعالی است، بنا بر این، او رب آسمان و زمین و موجودات بین آنها است، در نتیجه رب عالم انسانی هم او است که بر انسانها واجب است ربوبیتش را گردن نهند، و یگانه در ربوبیتش بدانند و تنها او را بیرستند، و چگونه واجب نباشد با اینکه در پیش رویشان عالم آخرت و غاشیه را دارند که به حسابشان رسیدگی شده، جزای نیک و بدشان را می‌بینند.

کلمات مورد نیاز:

نظر: أن الأصل الواحد في المادة: هو رؤية في تعمق و تحقیق في موضوع مادیّ أو معنویّ، بصر أو بصيرة.

خلق: أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو إيجاد شيء على كیفیة مخصوصة و بما أوجبه ارادته و اقتضته الحكمة

سطح: أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو البسط مع الاستواء، و هذا هو الفرق بينها و بین البسط و الاستواء و المدّ.

نصب: أن الأصل الواحد في المادة: هو تثبيت شيء في محلّ بالاقامة و الرفع الظاهر.

موفق باشید

ترجمه	سوره مبارکه غاشیه
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آیا داستان غاشیه [روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند] به تو رسیده است؟! (۱)	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)
چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند، (۲)	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲)
آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند (و نتیجه‌ای عایدشان نشده است)، (۳)	عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳)
و در آتش سوزان وارد می گردند؛ (۴)	تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً (۴)
از چشمه‌ای بسیار داغ به آنان می نوشاند؛ (۵)	تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ (۵)
غذایی جز از ضریع [خار خشک تلخ و بدبو] ندارند؛ (۶)	لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ (۶)
غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند! (۷)	لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)
چهره‌هایی در آن روز شاداب و با طراوتند، (۸)	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸)
و از سعی و تلاش خود خشنودند، (۹)	لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹)
در بهشتی عالی جای دارند، (۱۰)	فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)
که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده‌ای نمی شنوند! (۱۱)	لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاَغْيَةٍ (۱۱)
در آن چشمه‌ای جاری است، (۱۲)	فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)
در آن تختهای زیبای بلندی است، (۱۳)	فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)
و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (۱۴)	وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴)

و نَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ (۱۵)	و بالشها و پشتیهای صفداده شده، (۱۵)
وَ زُرَابِيٌّ مَّبْتُوتَةٌ (۱۶)	و فرشهای فاخر گسترده! (۱۶)
أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)	آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (۱۷)
وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)	و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟! (۱۸)
وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)	و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! (۱۹)
وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)	و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (۲۰)
فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)	پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای! (۲۱)
لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)	تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (۲۲)
إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ (۲۳)	مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (۲۳)
فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)	که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می‌کند! (۲۴)
إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)	به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (۲۵)
ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)	و مسلماً حسابشان (نیز) با ماست! (۲۶)